

■ لایحه معادن؛ ابهام در تعاریف و مصداق‌ها

کار مشترک: گروه صنعت و معادن
دفتر بررسی‌های حقوقی

پیش‌نوشتار

نظر به قدمت قانون معادن مصوب فروردین ۱۳۳۶ که عملاً پاسخگوی پیشرفت‌های کشور و توسعه بخش معادن نمی‌باشد، نیاز به تحول و اصلاح در قانون معادن احساس شد. لذا به منظور رفع نواقص و خلأهای قانونی و توسعه عملیات تفصیلی اکتشاف، استخراج و فراوری هرچه بیشتر از معادن کشور و نیز برداشتن موانع و ایجاد همه‌گونه تسهیلات برای مشارکت معدنکاران غیردولتی در انجام فعالیت‌های اکتشافی، فراوری و بهره‌برداری و در نتیجه تضمین مشارکت فعال مردم، دولت تصمیم به ارائه قانون

جدید معادن گرفته و آنرا تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود. مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار یک گزارش، لایحه معادن را ناکافی به مقصود خواند و خواهان تغییرات اصولی در آن شد. مرکز پژوهش‌ها پیشنهادهای مشخصی در هر مورد ارائه داد. انتشار این گزارش همزمان شد با تغییر کابینه دولت جدید. وزارت معادن و فلزات در یوشی مثبت پیشنهادهای مرکز پژوهش‌ها را مبنای اصلاحات لایحه قرارداد و به این ترتیب یک گام مثبت در جهت اصلاح قانون معادن برداشته شد. آنچه در ادامه می‌آید، نقد و ارزیابی لایحه معادن است.

بعدها تعیین می‌شود چندان منطقی نخواهد بود و این امر در شئون آیین‌نامه که برای بیان شیوه‌های اجرایی قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، نمی‌باشد.

۲- در بند «د» ماده ۱، کلیه مواد پرتوزا در طبقه چهارم مواد معدنی قرار گرفته است، ولی حدی برای پرتوزایی مشخص نشده و در این صورت هر قطعه سنگی پرتوزاست. در حالی که پرتوزایی در حدی دارای اهمیت است که دارای بعد اقتصادی باشد. در این صورت لازم است ضابطه‌ای برای پرتوزا بودن مواد معدنی طبقه چهارم در نظر گرفته شود.

۲- در تبصره ذیل ماده ۱؛ در مواردی که در طبقه‌بندی چند ماده از یک طبقه دیگر باشد وزارت معادن و فلزات مرجع تشخیص است، در حالی که به نظر می‌رسد براساس موادی که در طبقات قرار می‌گیرد حسب مورد باید دستگاه ذی‌ربط دخیل باشد. از جمله در مورد طبقات ۱ و ۲ وزارت معادن و فلزات و طبقه ۳ (به جز زغال سنگ) وزارت نفت و طبقه ۴ سازمان انرژی اتمی.

۴- تبصره ۲ ماده ۲؛ به موجب این تبصره صدور مجوز بهره‌برداری از معادن شن و ماسه معمولی منوط به کسب موافقت وزارت نیرو است. به نظر می‌رسد در این تبصره تفاوت شن و ماسه معمولی

هدایت به سمت اهداف کارآمدی لایحه

به‌رغم این‌که با تقدیم لایحه علی‌الاصول باید نواقص قانون قبلی رفع شود و اصلاحاتی در جهت همگامی با توسعه و تکنولوژی و نیازهای بخش معدن کشور به عمل آید، مع‌ذک متأسفانه اشکالات عدیده‌ای در لایحه تقابلی دولت به چشم می‌خورد که به آنها اشاره می‌شود:

۱- برخلاف رویه غالب، قوانینی که اصطلاحات فنی و تخصصی در آنها به کار می‌رود و در فصل اول به تعریف این اصطلاحات اشاره می‌شود متأسفانه این لایحه فاقد این تعاریف است. بدیهی است که هرگونه تعیین مفاهیم و تفسیر مواد مبتنی بر ارائه این تعاریف است و رویه متخذه با روال عادی و منطقی قانون‌گذاری هیچ‌گونه انطباقی ندارد، اگرچه در ماده ۲۶ مقرر شده که «آیین‌نامه اجرایی این قانون که در بردارنده تعاریف و اثره‌های به کار رفته در آن نیز خواهد بود توسط وزارت معادن و فلزات در مدت سه ماه تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید». مع‌ذک این امر کار درستی نمی‌باشد زیرا اولاً تعاریف قانونی در خود قانون باید ذکر شود و نه آیین‌نامه آن؛ ثانیاً درک مفاهیم مواد قانونی متوقف بر این تعاریف است. بدیهی است که تصویب قانونی که مفاهیم آن

و رودخانه‌ای به روشنی معلوم نیست و از سوی دیگر جهت حذف مراجع متعدد بهتر است وزارت معادن و فلزات یا استانداری مسئول صدور مجوز باشد و در غیر این صورت حدود اختیارات وزارت نیرو در صدور مجوز دقیقاً روشن شود.

۵- فصل دوم قانون معادن به اکتشاف اختصاص یافته است. در حالی که در این قانون، انگیزه کافی از حیث اقتصادی برای توسعه عملیات تفصیلی اکتشاف که در مقدمه لایحه جزئی از فلسفه و هدف لایحه ذکر شده، وجود ندارد. طبیعت عملیات اکتشافی احتمال‌پذیر است، بدین معنی که به وسیله هیچ یک از تکنیک‌های اکتشافی موجود نمی‌توان احتمال کشف یک ذخیره معدنی را به صددرصد رساند. در چنین شرایطی عملیات اکتشافی ممکن است از حیث تکنیکی با موفقیت همراه باشد در حالی که توأم با موفقیت اقتصادی نباشد، بدیهی است در این صورت جذب سرمایه به این بخش کاهش می‌یابد. برای جبران این نقص و افزایش جاذبه بیشتر باید روح حاکم بر قانون از جنبه اکتشاف مثبت و از حیث اجرایی توأم با تسهیلات و پیش‌بینی‌های لازم باشد تا علاوه بر جذب سرمایه، امکان رقابت با بازارهای دیگر موجود در کشور نیز فراهم شود.

۶- در ماده ۳، از اکتشاف معادن نامبرده شده، در حالی که اطلاق واژه معدن به کانساری که هنوز در مراحل اولیه اکتشاف است خطای علمی و فنی عمده‌ای به حساب می‌آید. ضمناً در این ماده مقرر شده که اکتشاف معادن با رعایت این قانون و توسط اشخاص حقیقی و حقوقی انجام می‌شود، در حالی که هیچ‌گونه شرایطی برای این اشخاص منظور نشده است، بنابراین لازم است شرایطی از قبیل تابعیت، امکانات مالی و اقتصادی، توانایی فنی و... پیش‌بینی شود.

همچنین براساس این ماده وزارت معادن و فلزات مکلف است تسهیلات لازم را برای تسریع در اکتشاف و شناسایی ذخایر معدنی کشور فراهم کند، در حالی که نوع این تسهیلات روشن نیست که آیا تجهیزات یا اعتبارات (وام و ...) یا معافیت مالیاتی و... می‌باشد یا خیر؟ بنابراین ضروری است نوع این تسهیلات تعیین شده و ضوابط آن در آیین‌نامه اجرایی پیش‌بینی گردد.

۷- در ماده ۴ مقرر شده که اکتشاف معادن توسط اشخاص، منوط به صدور پروانه اکتشاف توسط وزارت معادن و فلزات است. بدین منظور لازم است برای صدور پروانه اکتشاف محل مورد نظر که مسلماً انتخاب آن براساس هزینه‌های

طرح‌های اجرایی

در حین بهره‌برداری کشف شود نیاز به صدور پروانه ندارد. بنابراین بهتر است جهت جلوگیری از تداخل وظایف در ابتدای اکتشاف از مرجع ذی‌ربط مبادرت به اخذ مجوز شود. ب- فرض تبصره فوق می‌تواند منجر به جمع شدن معادن کوچک در کنار هم شود که مجموع آن معدن بزرگ است و استفاده از آن با اصل ۴۴ قانون اساسی مغایرت دارد.

۹- در ماده ۵، صدور گواهی اکتشاف توسط وزارت معادن و فلزات به عمل می‌آید. در حالی که برای برخی از مواد طبقه دوم نظیر سنگ لاشه، صدف دریایی نیاز به عملیات اکتشاف نیست. علاوه بر آن در ذیل ماده ۵ امکان انتقال گواهی اکتشاف به اشخاص ثالث خواهد بود. در حالی که لازم است برای انتقال به اشخاص، ضوابطی در نظر گرفته شود. بنابراین اولاً ضروری است تعداد دفعات مجاز برای انتقال گواهی اکتشاف تعیین شود و ثانیاً شرایطی برای اشخاص ثالث نظیر صلاحیت فنی، اقتصادی، عمومی (نظیر تابعیت و ...) در نظر گرفته شود.

۱۰- در تبصره ۲ ماده ۵ این قانون مقرر شده که: «در صورت عدم دستیابی به ذخیره معدنی پس از انجام عملیات اکتشافی، حقی برای دارنده پروانه اکتشاف ایجاد نمی‌شود». در این تبصره هیچ‌گونه حقی

مقدماتی صورت می‌گیرد و جهت جلوگیری از هرگونه سوء استفاده احتمالی دستگاه‌های اجرایی نسبت به اعلام محل اکتشاف، باید روی نقشه‌های تسویدگرافی به مقیاس ۱:۲۵۰,۰۰۰ محدوده‌هایی را که قبلاً برای آن پروانه صادر گردیده مشخص شود و به اطلاع آنان برسد. این مسئله غیر از جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه، عملاً می‌تواند برای سرمایه‌گذاران در امر اکتشاف ایجاد امنیت کند.

۸- در تبصره ذیل ماده ۴ مقرر شده: «اکتشاف حین بهره‌برداری نیاز به صدور پروانه اکتشاف ندارد، لکن در صورت کشف ذخیره معدنی جدید برابر این قانون برای دارنده بهره‌برداری گواهی اکتشاف صادر خواهد شد.» اشکالاتی در خصوص این تبصره وجود دارد:

الف- در صورتی که ذخیره کشف شده جدید در حین بهره‌برداری از مواد معدنی طبقه ۱، ۲ و ۳ (فقط زغال سنگ) که تحت نظارت وزارت معادن و فلزات است نباشد و جزء طبقات ۳ و ۴ که تحت نظارت وزارت نفت و انرژی اتمی است باشد نیاز به مجوز ندارد، در حالی که این امر خلاف منطوق است. مضافاً این‌که براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، معادن بزرگ در اختیار دولت است و اگر این معادن بزرگ

ماده به چشم می خورد:

اولاً- مدت اعتبار پروانه بهره‌برداری در این قانون به روشنی تعیین نشده است و مناسب است براساس ضوابطی شاخص‌هایی در جهت تعیین مدت اعتبار آن در نظر گرفته شده و برای پروانه بهره‌برداری مدت اعتبار ذکر شود. زیرا کوتاه بودن مدت پروانه بهره‌برداری سبب می‌شود که بهره‌برداری غالباً با تجهیزات و تأسیسات ناکافی و نامناسب فعالیت کند. از سوی دیگر ممکن است بهره‌بردار با توجه به کوتاه بودن مدت پروانه بهره‌برداری به استخراج قسمت‌های مناسب مرغوب کانسار پرداخته و مابقی قسمت‌ها را رها کند که این امر موجب غیراقتصادی شدن بهره‌برداری از مصرف می‌شود. لذا در خصوص معادنی که حجم سرمایه‌گذاری آنها زیاد و میزان ذخیره و استخراج نسبتاً بالایی دارند، مناسب است مدت اعتبار پروانه بهره‌برداری افزایش یابد که این امر سبب می‌شود از تلف شدن مواد معدنی و تخریب معادن جلوگیری گردد و برای بخش خصوصی امنیت برای سرمایه‌گذاری ایجاد شود.

ثانیاً- وظایف بهره‌بردار نسبت به پروانه

برای دارنده پروانه اکتشاف پیش‌بینی نشده است، در حالی که این امر به مصلحت نمی‌باشد و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را نیز از بین می‌برد. زیرا در شرایطی که عملیات اکتشاف منجر به کشف ذخیره‌ای شود که از لحاظ اقتصادی فعلاً ارزشمند نباشد ممکن است در آینده ذخیره دارای ارزش اقتصادی شود یا این‌که با تجهیزات بعدی امکان استحصال ذخیره معدنی به وجود آید. بنابراین تبصره فوق ایجاد انگیزه و تشویق جهت مشارکت بخش خصوصی را در اکتشاف کانسارها و استخراج معادن از بین می‌برد. مناسب است یک زمان ۱۰ ساله برای دارنده پروانه اکتشاف در نظر گرفته شود که در این مدت، حق دارنده پروانه محفوظ بماند.

۱۱- در ماده ۶ مقرر شده که براساس گواهی کشف، وزارت معادن و فلزات اقدام به صدور پروانه بهره‌برداری معدن به درخواست دارنده گواهی کشف می‌نماید. در حالی که مناسب است یک مهلت زمانی یک ساله در نظر گرفته شود تا حقوق اشخاص نیز محفوظ بماند.

۱۲- در ماده ۷ در خصوص بهره‌برداری از ذخایر معدنی، براساس پروانه بهره‌برداری، مورد اشاره قرار گرفته است. در حالی که نواقص زیر در این

طرح‌های اصلاحی

اصول ایمنی و حفاظت فنی تعیین شود که آیا وزارت معادن و فلزات است یا سازمان کار و تأمین اجتماعی (شورای عالی حفاظت فنی) و ...

ب- در بند دوم تبصره فوق مقرر شده که ذخیره معدنی به عنوان وثیقه قابل قبول تلقی می‌شود، در حالی که این ذخیره می‌تواند احتمالی باشد، بدیهی است حداقل ارائه تسهیلات و کاهش تشریفات بانکی باید همراه با حفظ حقوق دولت باشد. براین اساس ضروری است به جای ذخیره معدنی در واقع آن قسمت از ذخایر که قطعی است به عنوان وثیقه قابل قبول باشد و لازم است محاسبات مربوط در سطح اعتماد ۹۵ درصد که اغلب محاسبات مهندسی در آن سطح انجام می‌شود صورت گیرد.

۱۶- در تبصره ۳ ماده ۸ بر قابلیت انتقال پروانه بهره‌برداری تأکید شده، در حالی که این امر لازم است با در نظر گرفتن شرایط کلی و صلاحیت افراد اجازه داده شده و حدودی برای آن تعیین شود. مضافاً بر آن در تبصره ۳ مقرر شده که پروانه بهره‌برداری سند رسمی و لازم‌الاجراست، روشن نیست که مفهوم این عبارت چیست. زیرا اسناد رسمی که بیانگر تعهدات طرفین است

بهره‌برداری روشن نیست، چرا که ضابطه‌ای روشن برای تکالیف بهره‌بردار وجود ندارد و مناسب است قید شود که بهره‌بردار مکلف است در چارچوب طرح مصوب که توجیه شده، فعالیت کند و در غیر این صورت حسب مورد توجیه برای اصلاح طرح به وزارت معادن و فلزات ارائه شود.

۱۳- ماده ۸ به متقاضیان بهره‌برداری اختصاص یافته است که در حال حاضر تشخیص و انتخاب بهره‌بردار بر اساس شیوه‌های اداری صورت می‌گیرد، در حالی که ضروری است صلاحیت‌های فنی و اقتصادی افراد مورد توجه قرار گرفته و این قبیل افراد با عنایت به مصالح و منافع کشور در اولویت قرار گیرند.

۱۴- در بند ۲- ب ماده ۸ از معادن بلامعارض صحبت شده است، در حالی که هیچ‌گونه تعریفی از آنها به عمل نیامده است که این امر موجب ابهام در مفهوم آن می‌شود.

۱۵- در تبصره ۲ ماده ۸ ابهاماتی به شرح زیر مشاهده می‌شود:

الف- در صدر تبصره فوق به رعایت اصول ایمنی و حفاظت فنی اشاره شده، در حالی که اولاً هیچ‌گونه تعریفی از آنها به عمل نیامده و ثانیاً ضروری است مرجع تعیین این

- کارشناس ارشد بخش نظارت بر معادن؛

- متخبین وزیر معادن و فلزات.

افزون بر این، در تشخیص معادن بزرگ مناسب است ضوابط کلی و شاخص‌های آن توسط قانون‌گذار تعیین شود که این امر برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بیشتر به مصلحت است. بر این اساس شاخص‌هایی از قبیل: میزان ذخیره معدنی، عیار، میزان استخراج، ارزش ماده معدنی، تعداد کارکنان، میزان سرمایه‌گذاری، موقعیت جغرافیایی و ملاحظات سیاسی - اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. تعیین ضابطه تشخیص معادن بزرگ و غیربزرگ در واقع مرز و حدود فعالیت‌های بخش خصوصی در این قسمت را روشن می‌کند.

۱۸- در ماده ۹ مقرر شده که وزارت معادن و فلزات می‌تواند اجازه برداشت جزئی صادر نماید. به نظر می‌رسد که این امر به‌ویژه برای عملیات آزمایشگاهی می‌تواند قابل توجیه باشد، مع‌ذک هیچ‌گونه ضابطه‌ای برای تعیین جزئی بودن برداشت مقرر نشده است، در حالی که لازم است ضابطه‌ای یا طبقه‌ای با استفاده از تعیین حد (بیشینه) برای آن تعریف شود.

۱۹- ماده ۱۰ اختصاص به پرداخت حقوق دولتی به صورت درصدی از بهای مواد

در صورت نقض عهد این امکان را دارند که بلافاصله اجراییه برای آنها صادر شود. اگر منظور تهیه‌کنندگان لایحه همین مفهوم است به نظر می‌رسد که تأکید بر این امر که این اسناد، رسمی تلقی می‌شود کفایت خواهد کرد.

۱۷- در تبصره ۴ ماده ۸ مقرر شده که «ضوابط تشخیص معادن بزرگ، فهرست و چگونگی بهره‌برداری از آنها به پیشنهاد وزارت معادن و فلزات و تصویب دولت تعیین می‌شود» در این خصوص نکات ذیل حائز اهمیت است:

اولاً- براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، معادن بزرگ به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است بنابراین مفاد تبصره ۴ با اصل ۴۴ قانون اساسی مغایرت دارد.

ثانیاً- در گذشته شورای عالی معادن وظیفه تعیین معادن بزرگ را داشته و نوعی تداخل وظایف با آن شورا مشاهده می‌شود، مگر این که نظر دولت محترم حذف شورای عالی معادن باشد.

ثالثاً- مناسب است مرجعی خاص برای تعیین معادن بزرگ انتخاب شود که براساس ضوابط خاص آنها به تعیین آنها مبادرت نماید. ترکیب این مرجع می‌تواند به شرح زیر باشد:

- خبرگان مسائل معدن؛

طرح‌های واریج

گذارده می‌شود یا خیر؟
ثانیاً- به دلیل این که هر معدن شرایط خاص دارد ضابطه مواد معدنی مشابه یا معادن مجاور ضابطه چندان مناسبی نخواهد بود، چرا که فرضاً مواد معدنی از یک نوع مثل مس یا طلا چنانچه عیارشان متفاوت باشد آیا مشابه محسوب خواهند شد یا خیر؟

در هر حال مناسب است برای اعمال تبصره ۱ ماده ۱۰ حدی برای مشابه بودن تعیین شود.

۲۱- در تبصره ۲ ماده ۱۰ مقرر شده که بررسی‌های آزمایشگاهی و کاربردی تا میزان یک تن از پرداخت حقوق مزبور معاف خواهند بود. مفاد این تبصره نیز چندان منطقی نمی‌باشد زیرا در غالب موارد برای آزمایش‌های پایلوت یا نیمه صنعتی یک تن جواب نمی‌دهد و ضروری است براساس توجیه علمی سقف آن افزایش یابد.

۲۲- در ماده ۱۱ چنین مقرر گردیده:

«مواد باطله حاصل از عملیات استخراج و بهره‌برداری از معادن متعلق به دولت است.»

نکات ابهام این ماده به شرح زیر است:
اولاً- تعریفی از مواد باطله ارائه نشده و مواد باطله می‌تواند شامل مواد باطله حاصل از عملیات استخراج یا مواد باطله حاصل از عملیات کانه‌آرایی

معدنی به وزارت معادن و فلزات اختصاص یافته است. در خصوص این ماده به نظر می‌رسد که تفاوتی بین اشخاصی که مخارج اکتشاف و ریسک سرمایه‌گذاری را متحمل شده‌اند با سایر افرادی که اجازه برداشت مواد معدنی و بهره‌برداری را بدون ریسک سرمایه‌گذاری اکتشاف به دست آورده‌اند قائل نشده. در حالی که این امر منطقی نیست. لذا ضروری است جهت سرمایه‌گذاری و فعالیت براساس میزان ریسک نوعی تخفیف در حقوق دولت وجود داشته باشد.

۲۰- در تبصره ۱ ماده ۱۰ چنین آمده:

«مبنای قیمت پایه ماده معدنی معادنی که از طریق اعمال قانون محاسبات عمومی کشور واگذار می‌شوند، میانگین حقوق دولتی ماده معدنی مشابه یا معادن مجاور آنها خواهد بود.»
در خصوص این تبصره ابهامات زیر وجود دارد:

اولاً- مشخص نیست که کدام معادن از طریق اعمال قانون محاسبات عمومی واگذار می‌شوند و کدام معادن از آن استثنا شده‌اند، زیرا در تبصره ۱ ماده ۸ فقط در مورد مستقاضیان بهره‌برداری متعدد پیش‌بینی این امر شده که خود ماده مذکور نیز ابهام دارد زیرا معلوم نیست آیا در این صورت به مزایده

باشد و ضروری است توسط قانون‌گذار تعریفی از این مواد به عمل آید.

ثانیا- علت تعلق مواد باطنه به دولت روشن نیست و چه علتی دارد که این مواد متعلق به بهره‌بردار نباشد؟ یا در خاتمه مدت پروانه بهره‌برداری به دولت انتقال نیابد؟

از سوی دیگر چنانچه مواد باطنه متعلق به دولت باشد چگونگی حفظ و انباشت آن معلوم نیست و به نحو روشنی بهره‌بردار اقدامی در جهت انباشت و دیوی آن انجام نخواهد داد و آزاد بودن و رها شدن این مواد نیز با مسائل زیست محیطی چندان به مصلحت نمی‌باشد. بنابراین می‌توان مقرر کرد که مواد باطنه متعلق به شخص بهره‌بردار باشد چرا که چه بسا این مواد با تغییر تکنولوژی و کاهش عیار اقتصادی یا افزایش قیمت ارزش اقتصادی یابد. ضمناً ضروری است مقدار و نوع باطنه‌ها در جایی ثبت شود تا اگر چنانچه معلوم شد که در جریان فراوری مجدد ارزش اقتصادی می‌یابد امکان استفاده از آنها به سهولت فراهم شود.

۲۳- در ماده ۱۲ مقرر شده که وزارت معادن و فلزات موظف است پوشش نظارتی و هدایتی برای واحدهای مواد معدنی تأمین کند و مطالعات امکان‌سنجی انجام

دهد. لازم به ذکر است که هم‌اکنون نیز ادارات کل معادن و فلزات استان‌ها برای خود وظیفه‌ای در راهنمایی فنی بهره‌برداران قائل نیستند و هیچ‌گونه دستورالعمل فنی درباره روش‌های صحیح عملیات معدنی و دستورالعمل‌های ایمنی و غیره تهیه نشده و برای بهره‌بردار هیچ‌گونه راهنمایی صورت نمی‌گیرد و از این حیث تکلیفی برای مطالعات امکان‌سنجی وجود ندارد. در این خصوص باید چگونگی تأمین پوشش نظارتی و هدایتی یا مطالعات امکان‌سنجی در خصوص تکلیف وزارت معادن و فلزات پیش‌بینی شود.

۲۴- در تبصره ذیل ماده ۱۲ فراوری تعریف شده است و علی‌رغم این که توسعه عملیات فراوری در مقدمه لایحه تقدیمی هیئت دولت جزئی از فلسفه و هدف تقدیم لایحه ذکر شده است مع‌ذکب هیچ‌گونه فصلی تحت عنوان فراوری مواد معدنی در لایحه وجود ندارد. این امر در حالی است که هم‌اکنون یکی از معاونت‌های وزارت معادن و فلزات را معاونت معدنی و فراوری مواد تشکیل می‌دهد. فراوری عبارت از کلیه عملیاتی است که بر روی مواد خام فلزی و غیرفلزی انجام می‌شود تا موجب تولید مواد قابل مصرف در صنعت شود. لذا وزارت معادن و فلزات

طرح‌های اولیه

مربوط شناخته می‌شوند. در خصوص این ماده نکات ذیل حائز اهمیت است: اولاً- اگر این کمیسیون یک کمیسیون کارشناسی است، در این صورت به عنوان یک محکمه قضایی نمی‌تواند تعیین خسارت کند و حداکثر می‌توان مقرر داشت که رأی کمیسیون به عنوان نظر کارشناسی مورد قبول محاکم واقع شود، بنابراین فرض مندرج در ماده ۱۶ با قواعد حقوقی انطباق ندارد.

ثانیاً- در ماده ۱۶ مقرر شده که اعضای کمیسیون سه نفر و منتخب وزیر معادن و فلزات هستند، در حالی که مناسب است یک نفر از اساتید دانشگاه و کارشناس ارشد بخش نظارت بر معادن و یک نفر منتخب وزیر عضو کمیسیون باشند.

ثالثاً- در این ماده به عدم انجام تعهدات دارنده پروانه بهره‌برداری و اجازه برداشت اشاره شده و ضمانت اجرایی برای آن تعیین شده است در حالی که ضروری است عللی که سبب عدم انجام تعهدات یا تأخیر در انجام آن شده‌اند مورد بررسی واقع شود، بنابراین موارد فورس‌ماژور (اضطراری) یا مشکلات فنی در معدن مناسب است به عنوان علل قابل قبول تأخیر در ماده ۱۶ قید شود.

مکلف است به منظور ایجاد ارزش افزوده مواد معدنی رأساً یا توسط شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه از بخش غیردولتی حمایت کند و سیاست توسعه فراوری را جهت تکمیل زنجیره تولید، تهیه و تأمین قسمت عمده مواد اولیه مورد نیاز صنایع وابسته، صدور تولیدات، جلوگیری از وابستگی به نفت و جلوگیری از خروج ارز به منظور تهیه مواد اولیه صنایع وابسته، در اولویت برنامه‌های اجرایی و تحقیقاتی خود قرار دهد.

۲۵- به موجب ماده ۱۵ مبادرت به حفاری‌های اکتشافی، استخراج، برداشت و بهره‌برداری مواد معدنی بدون اخذ پروانه اکتشاف یا بهره‌برداری یا اجازه برداشت غیرقانونی بوده و با متخلف برخورد می‌شود. در حالی که برداشت نمونه‌های چند کیلوگرمی در بررسی‌های مقدماتی به منظور تعیین مناسب‌ترین محل برای درخواست پروانه اکتشاف یا بازدیدهای زمین‌شناسی باید بلامانع باشد.

۲۶- در ماده ۱۶ یک کمیسیون کارشناسی جهت بررسی تعهدات دارندگان پروانه بهره‌برداری و اجازه برداشت پیش‌بینی شده که با رأی این کمیسیون در صورت عدم انجام تعهدات خود مسئول پرداخت خسارات بوده یا حسب مورد فاقد صلاحیت برای ادامه عملیات

۲۷- براساس ماده ۱۸ چنانچه اجرای عملیات معدنی در محدوده املاک اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی نیاز به تصرف در آنها باشد پس از تأیید وزارت معادن و فلزات مجری عملیات مکلف است اجاره یا بهای آن را بدون محاسبه ذخیره معدنی به قیمت روز بپردازد. در این خصوص به نظر می‌رسد که تأیید وزیر معادن و فلزات به دلیل برخورد نتایج این ماده با حقوق مالکانه مردم چندان منطقی نیست و مناسب است یک هیئت سه نفره متشکل از نماینده وزیر معادن و فلزات و نماینده وزیر دادگستری و نماینده اداره ثبت اسناد و املاک در این خصوص تصمیم‌گیری نمایند.

۲۸- در تبصره ۱ ماده ۱۸ نیز مقرر شده که چنانچه برای ادامه عملیات اکتشاف یا بهره‌برداری و استخراج معادن واقع در خارج از املاک یاد شده، نیاز به حفر کانال یا تونل زیرزمینی باشد، حفر کانال و تونل مشمول ماده ۱۸ خواهد بود. به نظر می‌رسد که به لحاظ رعایت اصل تسلیط و حقوق مالکانه افراد باید در اقل امکان، مبادرت به حفر کانال یا تونل زیرزمینی شود، در این صورت صرف‌نظر از این که باید از حیث عمق به گونه‌ای عمل شود که به حقوق مالکان لطمه‌ای وارد نشود، در عین حال ضروری است مبلغی بابت حق عبور به

مالکان پرداخت شود. ۲۹- در تبصره ۲ ماده ۱۸ مقرر شده که مأموران انتظامی مکلف‌اند در صورت ممانعت مالک از اجرای عملیات معدنی موضوع این ماده، بلافاصله به درخواست وزارت معادن و فلزات رفع ممانعت و مزاحمت نمایند. به لحاظ این که در عمل حقوق افراد تضییع نشود ضروری است این امر با دستور مقام قضایی باشد و نه مقام اجرایی چرا که در غیر این صورت مأموران انتظامی مکلف به تبعیت از نظر وزارت معادن و فلزات هستند و لو این که ضرورتی برای تصرف املاک افراد نباشد.

۳۰- در تبصره ذیل ماده ۲۰ مقرر شده که تعیین حریم رودخانه‌ها، انهار طبیعی و غیره، منوط به کسب موافقت وزارت نیرو می‌باشد، در این خصوص به نظر می‌رسد که سایر سازمان‌ها نیز نظیر حفاظت محیط زیست و سازمان منابع طبیعی و ... نیز می‌توانند در این خصوص دخالت نمایند و صرف وزارت نیرو در این تبصره چندان وجهتی ندارد.

۳۱- یکی از خلأهای این قانون بخش نظارت بر معادن است. لایحه معادن با توجه به اهمیت ویژه «نظارت بر معادن» فاقد فصلی تحت این عنوان است. نقش اصلی نظارت بر معادن به طور خلاصه به شرح زیر است:

طرح‌ها و لوایح

آن تجربه مفید دارند، مسئولیت داد یا به عبارت دیگر، ناظری را که در معدن زغال‌سنگ اطلاعات علمی- فنی و تجربه مفید دارد در معدن غیر زغال‌سنگ مسئولیت ندارد.

متأسفانه در این زمینه دقت لازم و کافی از سوی وزارت معادن و فلزات صورت نمی‌گیرد و هیچ‌گونه درجه‌بندی در این مورد خاص وجود ندارد.

عملیات معدنی با چه الگو و مبنایی باید مقایسه شود تا درستی و نادرستی آنها آشکار گردد. کارشناسان اداره کل معادن و فلزات استان‌ها و ناظران معدن فقط بر حسب تشخیص خود موارد نادرست و خلاف را گزارش می‌کنند، به علاوه چون مقررات خاصی برای موارد خلاف وجود ندارد، برای گزارش‌های بازدید نیز چندان اهمیتی قائل نمی‌شوند.

سیستم اطلاع‌رسانی در معادن بسیار ضعیف و فقط منحصر به گزارش‌های بازدید از معادن است. آمار به‌طور منظم و سیستماتیک از وضعیت عملکرد معدن، حوادث معدنی، اطلاعات فنی معدنی تهیه و گزارش نمی‌شود، بدین ترتیب، وزارت معادن و فلزات به‌طور منظم از وضعیت معادن مطلع و آگاه نیست.

به‌طور کلی در بخش «نظارت بر معادن» باید موارد زیر مورد توجه ویژه قرار گیرند:

الف- حفاظت از ذخایر معدنی: نظر به این‌که طبق اصل ۴۵ قانون اساسی

۳۱-۱- حفاظت از ذخایر معدنی (جهت جلوگیری از تخریب و استفاده بهینه از معادن)؛

۳۱-۲- ایمنی، بهداشت صنعتی و مسائل زیست محیطی معدن.

در اغلب کشورها، وضعیت نظارت بر معادن در قانون تعریف شده است، اما متأسفانه در قانون معادن کشور ما این تعریف وجود ندارد. ناظران معدن غالباً قدرت قابل توجهی دارند و مسئولین و کارکنان معدن را به اطاعت و اجرای قانون ملزم می‌سازند. برای عمل کردن در جهت بهبود صنعت معدن باید ناظر، اطلاعات علمی و فنی کافی داشته باشد. ناظر باید طوری عمل کند که مسئولین معدن را قانع کند که ایمنی، کارایی و بهره‌برداری اقتصادی از معادن لازم است و در عین حال قادر باشد در مواردی که لازم است استانداردهای بالاتر را به مسئولین بقبولاند.

در معادن ایران هنوز مسئله نظارت جای نیفتاده است. نظارت فعلی دارای قدرت اجرایی نیست، درحالی‌که یک اصل از وظایف وزارت معادن و فلزات به شمار می‌رود.

نکته مهم در زمینه نظارت بر معادن این است که، وزارت معادن و فلزات در گزینش ناظران معدن نهایت دقت را بنماید و صلاحیت آنها را براساس اطلاعات علمی- فنی و سابقه معدنکاری تعیین نماید. ناظران را باید براساس معدنی که در

معادن زغال سنگ ایران تصویری ناخوشایند دارند. به عقیده کارشناسان و مشاوران امور معدنی که در معادن زغال سنگ کشور مشغول کارند و بسیاری از معادن زغال را بازدید کرده اند، معادن زغال ایران عموماً ایمن نیستند. همچنین در تعداد بسیاری از این معادن روش های کاری و فعالیت های روزمره غیر ایمن وجود دارد.

رعایت نکردن نکات ایمنی در بعضی از معادن زغال سنگ ایران حاکی از آن است که نظارت بر قوانین ایمنی و بهداشت صنعتی از سوی وزارت معادن و فلزات کنترل دقیق نمی شود. احتمال وقوع انفجار در معادن زغال سنگ ایران در حد بالایی است. میزان گاز متان و گرد زغال در معادن زغال سنگ ایران برای یک انفجار فاجعه آمیز کافی است.

در تاریخ ۱۳۷۲/۵/۲۸ بر اثر وقوع انفجار گاز متان و گرد زغال در معدن زغال سنگ باب نیز و کرمان وابسته به وزارت معادن و فلزات ۸ نفر کشته و ۱۱ نفر مجروح شدند. این فاجعه اولین و آخرین نخواهد بود. در اثر انفجار اخیر در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۱ در معدن زغال سنگ سنگرود در استان گیلان ۳۰ نفر کشته و ۵۰ نفر مجروح شدند. این حادثه ناشی از انفجار گاز متان بوده است. در اینجا این سؤال پیش می آید که به راستی مسئولیت جان کارگران معادن ایران به عهده کیست؟

مهم ترین نگرانی در معادن ایران به ویژه

جمهوری اسلامی، معادن جزو انفال است، بنابراین ثروت های معدنی کشور باید حفاظت شوند. قاعدتاً این امر از وظایف دولت است که از سوی وزارت معادن و فلزات باید نظارت و کنترل شود. مسئولیت اصلی «حفاظت از منابع و ذخایر معدنی» به عهده وزارت معادن و فلزات می باشد. این بدان معنی است که از معادن باید استفاده بهینه شود و منابع مورد نیاز آینده کشور حفظ گردد.

معادن کشور باید بهره وری خوبی داشته باشند و از تلف شدن مواد معدنی و تخریب معادن باید جداً جلوگیری به عمل آید. این هدف باید در تمام مراحل عملیات استخراج و فراوری و هنگام متروکه شدن معدن باید مدنظر باشد.

ب- ایمنی و بهداشت صنعتی معادن:
یکی از وظایف وزارت معادن و فلزات نظارت بر ایمنی و بهداشت صنعتی معادن است. معادن ایران از نظر ایمنی و بهداشت صنعتی وضع بسیار بدی دارند. نظارت دقیقی در این زمینه وجود ندارد.

بسیاری از معادن ایران با توجه به استانداردهای بین المللی «نامن» هستند. آهنگ آسیب دیدگی صنعتی بسیار بالاست. سلامت کارگران را بیماری های مختلف تهدید می کند و ابتلا به پنوموکونیس (سیاه شدن ریه) و سیلیکوز در صنعت معادن ایران مستداول است. این بیماری ها امروزه در بسیاری از کشورهای معدنی نادر است.

طرح‌های اولویت

سطحی و زیرزمینی استخراج شوند یا فرایندهای ذوب و تغلیظ بر این مواد صورت گیرد و این عملیات موجب بهبود محیط زیست آنها شده باشد. استخراج معادن با روش‌های سطح برداری و روباز با تخریب طبیعت و آلودگی هوا همراه است. آلوده کردن آب‌های سطحی و زیرزمینی حاوی مواد جامد معلق و حاوی مواد محلول، آلودگی واحدهای تولید فلزی و غیر فلزی صنعتی، از بین بردن زمین‌های مزروعی، تلف شدن دام و احشام، از میان رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، تخریب جنگل‌ها، انهدام زیست‌گاه‌های حیات وحش. تأثیرات نامطلوب بر سلامتی انسان، تسادخل توسعه شهری و فعالیت‌های معدن‌کاری، از جمله مسائل زیست محیطی بخش معادن و فلزات به شمار می‌رود.

به منظور حفظ محیط زیست روش‌هایی از استخراج و کانه‌آرایی در اولویت باید قرار گیرند که به محیط زیست آسیب کمتری برسانند. بدیهی است کلیه روش‌های استخراج و کانه‌آرایی همانند انتخاب روش‌ها، باید از نظر تأثیر بر محیط زیست توجیه فنی - اقتصادی داشته باشد.

وزارت معادن و فلزات موظف است آیین‌نامه خاصی را در ارتباط با مسائل زیست محیطی معادن تدوین کند تا با استفاده از این معیارها، عملیات معدن‌کاری انجام و مورد ارزشیابی قرار گیرد. وزارت معادن و فلزات موظف است در

در معادن زغال‌سنگ این است که قوانین و مقررات ایمنی و بهداشت صنعتی حاکم بر معادن نیست و سطح ایمنی پایین و احتمال بروز حوادث بسیار زیاد است.

پیشنهاد می‌شود که کارشناسان نظارت بر معادن یک دره فشرده ایمنی و بهداشت معادن را تحت نظر دانشکده حفاظت و بهداشت کار وزارت کار و امور اجتماعی بگذرانند و کارت «واجد صلاحیت ایمنی» دریافت دارند.

ج- مسائل زیست محیطی معادن: در معادن ایران از نظر مسائل زیست محیطی نظارت دقیقی از سوی وزارت معادن و فلزات وجود ندارد. یکی از اقدامات مورد نیاز برنامه دوم توسعه اقتصادی کشور در زمینه معدن «تأکید بر تدوین معیارها و ضوابط زیست محیطی در فعالیت‌های معدنی و نظارت مستمر در جهت رعایت دقیق آنها ذکر شده است».

در تبصره ۸۲ ردیف ۲ قانون برنامه دوم مصوب ۱۳۷۲/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی در زمینه محیط زیست معادن چنین آمده است: «انجام هرگونه فعالیت‌های صنعتی - معدنی باید با در نظر گرفتن اهداف توسعه پایدار در چارچوب ضوابط و استانداردهای زیست محیطی باشد».

فعالیت‌های کنترل نشده بخش معادن و فلزات بر محیط زیست تأثیر می‌گذارد. این اثر معمولاً یک اثر منفی است چون مناطق معدودی را می‌توان بر شمرد که به روش

هر گونه فعالیت‌های استخراجی و فرآوری مواد از استراتژی زیست‌محیطی درستی پیروی کند و قبل از اجرای هر پروژه صنعتی-معدنی ارزیابی دقیق زیست‌محیطی به عمل آورد. در این ارزیابی باید تمام مراحل از کانسار تا معدن و تولید تا مصرف بررسی شوند. واحدهای صنعتی-معدنی که در زمینه مسائل زیست‌محیطی در چارچوب ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی مسامحه می‌کنند، عملیات آنها متوقف شود و واحدهایی که مشکلات زیست‌محیطی در زمینه بهره‌برداری و تولید دارند مورد ارزیابی دقیق کارشناسی قرار گیرند.

۳۲- در ماده ۲۶ مسئول تهیه آیین‌نامه اجرایی وزارت معادن و فلزات است. در حالی که به نظر می‌رسد سازمان‌های عدیده‌ای نظیر وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت صنایع و نیرو و ... در آن دخیل اند و مناسب است آیین‌نامه توسط کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و تنظیم شده و به تصویب هیئت وزیران برسد.

بررسی آثار جنبی اجرای لایحه

هدف از لایحه توسعه عملیات اکتشاف، فرآوری و بهره‌برداری هرچه بیشتر از معادن کشور و تأمین مواد اولیه کارخانجات و جایگزینی مواد خام و نیمه‌ساخته داخلی به جای مواد وارداتی و نیز برداشتن موانع و

ایجاد هرگونه تسهیلات برای مشارکت معدن‌کاران غیردولتی در این بخش در راستای قطع وابستگی به نفت است. بدیهی است که این قانون مقصود اصلی خود را رفع نواقص و جبران خلأهای قانون سابق گذارده است، در این صورت چنانچه این قانون به نحو صحیحی تنظیم و به درستی اجرا شود تأثیرات بسیار به سزایی در کشور خواهد داشت، از جمله توسعه عملیات اکتشاف، فرآوری و بهره‌برداری، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این قسمت از اقتصاد، تأمین مواد اولیه و جایگزینی مواد خام و نیمه ساخته به جای مواد وارداتی، توسعه و رونق بخش صنعت کشور، کاهش واردات، افزایش صادرات مواد مستخرجه در پروسه فرآوری و ...

پیشنهادها

الف - با عنایت به نواقص عدیده و عمده‌ای که در لایحه تقدیمی مشاهده می‌شود و موارد متعددی از آنها در این مقاله در بخش هدایت به سمت اهداف کارآمدی لایحه ذکر شد، مناسب است این لایحه جهت تکمیل و رفع نواقص آن به دولت اعاده شود یا تا زمان تکمیل و رفع کلیه نواقص آن مسکوت بماند. بدیهی است که تصویب قانونی که به هیچ وجه اهداف لایحه را تأمین نمی‌کند چندان وجاهتی نداشته فقط منجر به افزایش حجم قوانین خواهد شد.

طرح‌های اصلاحی

که قبلاً برای آنها پروانه صادر گردیده است مشخص کند و جهت اطلاع عموم منتشر نماید.

۸- تبصره ذیل ماده ۴ حذف شود.

۹- در ماده ۵ ضروری است که در تبصره‌ای موارد استثنایی که نیاز به گواهی کشف ندارد نظیر سنگ لاشه، صدف دریایی و... ذکر شود.

۱۰- در ماده ۵ عبارت «گواهی مزبور با تأیید وزارت معادن و فلزات ظرف یک سال از تاریخ صدور، قابل انتقال به اشخاص ثالث خواهد بود» مندرج در ذیل ماده بدین ترتیب اصلاح شود:

«گواهی صادره ظرف یک سال از تاریخ صدور با تأیید وزارت معادن و فلزات برای یکبار می‌تواند به شخص ثالثی که دارای شرایط لازم برای تقاضای صدور پروانه اکتشاف و بهره‌برداری باشد، منتقل گردد».

۱۱- در تبصره ۲ عبارت «ظرف ده سال» بعد از عبارت مندرج در صدر ماده یعنی «در صورت عدم دستیابی به ذخیره معدنی» افزوده می‌شود.

۱۲- در ماده ۷ ضروری است براساس شرایط، مدتی برای پروانه بهره‌برداری تعیین شود که حسب مورد می‌تواند متفاوت باشد، بدیهی است که ضوابط اجرایی آن در آیین‌نامه خواهد آمد.

۱۳- مناسب است تبصره‌ای به ذیل ماده ۷ افزوده شده و مقرر شود:

ب- در صورتی که مجلس محترم نظر به تصویب لایحه داشته باشد، در این صورت ضروری است جهت رفع نواقص و اشکالات لایحه اصلاحات ذیل در آن به عمل آید.

۱- فصل اول تحت عنوان تعاریف به لایحه افزوده شود.

۲- تشخیص موارد مرتبط و موادی که شامل چند ماده از طبقه دیگر باشد در تبصره ذیل ماده ۱ باید توسط وزارت معادن و فلزات و حسب مورد مرجع ذیصلاح تشخیص سایر طبقات به عمل آید.

۳- ضابطه تشخیص مواد پرتوزا در بند «د» ماده ۲ تعیین شود.

۴- در تبصره ۲ ذیل ماده ۲ اختیار وزارت نیرو در این خصوص به دقت تعیین شود در غیر این صورت به وزارت معادن و فلزات یا استانداری واگذار شود.

۵- در ماده ۳ واژه معادن به «کانسار» اصلاح شود.

۶- در ماده ۳ ضروری است که تسهیلات لازم قابل واگذاری توسط وزارت معادن و فلزات نظیر واگذاری تجهیزات یا اعطای اعتبار و معافیت مالیاتی و... به دقت در قانون تعیین شده و سایر مسائل آن به آیین‌نامه اجرایی واگذار شود.

۷- در ماده ۴ مقرر شود که وزارت معادن و فلزات ملکف است روی نقشه توپوگرافی ۱:۲۵۰/۰۰۰ محدوده‌هایی را

کمیسیونی متشکل از دو نفر از خبرگان مسائل معادن (که از میان اساتید دانشگاه انتخاب می‌شود)، کارشناس ارشد بخش نظارت بر معادن، ۲ نفر نماینده وزیر معادن و فلزات خواهد بود».

۲۰- در مورد برداشت‌های جزئی از یک ذخیره معدنی مندرج در ماده ۹ باید ضوابط آن لزوماً تعیین شود.

۲۱- در ماده ۱۰ در پرداخت حقوق دولتی براساس میزان سرمایه و خطرات موجود در اکتشاف و بهره‌برداری و سایر عوامل باید قائل به تفکیک شد و در این مورد حسب مورد برای ایجاد انگیزه‌های بیشتر سرمایه‌گذاری می‌توان معافیت‌هایی را تعیین نمود.

۲۲- در تبصره ۱ ذیل ماده ۱۰ باید تعریفی از مشابه به عمل آمده و حدی برای آن تعیین شود یا «معادن مجاور» حذف شود، در غیر این صورت کل تبصره ۱ می‌تواند حذف شود.

۲۳- در تبصره ۲ ماده ۱۰ سقف بررسی‌های آزمایشگاهی و کاربردی تا میزان یک تن حذف شده و نصاب آن براساس آزمایش‌های پایلوت یا نیمه‌صنعتی به تفکیک براساس ضابطه مشخصی تعیین شود.

۲۴- در ماده ۱۱ باید تعریفی از مواد باطله به عمل آید، مضافاً بر آن در صورت تعلق این مواد به دولت چگونگی انباشت و دپوی آن نامعلوم است، مناسب است مقرر

«بهره‌بردار ملکف است در چارچوب طرح مصوب وزارت معادن و فلزات و براساس دستور العمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوطه فعالیت نماید».

۱۴- در ماده ۸ مناسب است شرایطی برای متقاضیان نظیر صلاحیت‌های عمومی، فنی و اقتصادی در نظر گرفته شود.

۱۵- در بند ۲-ب ماده ۸ معادن بلا معارض باید تعریف شود.

۱۶- در تبصره ۲ ماده ۸ رعایت اصول ایمنی و حفاظت فنی ابهام دارد و مرجع اعلام آنها نامعلوم است، مضافاً بر این که مناسب است سازمان‌های ذی‌ربط ملکف به اعلام این اصول شده و توسط ناظرین مرتباً معادن را کنترل نمایند.

۱۷- در بند دوم تبصره ۲ ماده ۸ در خصوص ذخایر قابل قبول جهت وثیقه عبارت «ذخیره معدن مندرج در شناسنامه» به «ذخیره معدنی قطعی که محاسبات مربوط در سطح ۹۵ درصد انجام شده باشد» اصلاح شود.

۱۸- در تبصره ۳ ماده ۸ کلمه «لازم الاجرا» حذف و شرایط مناسبی برای انتقال از حیث تعداد دفعات مجاز انتقال و شرایط افراد منتقل‌الیه درج شود.

۱۹- تبصره ۴ ماده ۸ به شرح زیر اصلاح شود:

«مرجع تشخیص و اعلام معادن بزرگ و چگونگی بهره‌برداری از آنها با رعایت اصل ۴۴ قانون اساسی و قوانین مربوط

شرح مواد و اوراق

وزیر دادگستری و نماینده اداره ثبت اسناد و املاک کشور واگذار شود.

۳۱- در تبصره ۱ ماده ۱۸ نیز حفر کانال یا تونل زیرزمینی باید با رعایت حقوق مالکیت افراد و پرداخت خسارات وارده به املاک آنها به عمل آید.

۳۲- در تبصره ۲ ماده ۱۸ به درخواست وزارت معادن و فلزات باید حذف شود که در این صورت نیازی به ذکر تبصره نیست، زیرا بر اساس رأی مراجع قضایی مأموران انتظامی چنین تکلیفی را بر عهده دارند.

۳۳- تعیین حریم رودخانه‌ها و ... در تبصره ذیل ماده ۱۰ باید حسب مورد با موافقت وزارت نیرو و سایر مراجع ذی ربط نظیر سازمان حفاظت محیط زیست به عمل آید.

۳۴- در لایحه تقدیمی خناً بزرگی در بخش نظارت بر معادن وجود دارد که مناسب است با توجه به نکات مطروحه در این گزارش، فصلی مستقل به آن اختصاص یابد.

۳۵- ماده ۲۶ به شرح زیر اصلاح شود:
این نامه اجرایی این قانون توسط وزارت معادن و فلزات، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت صنایع، وزارت نیرو، سازمان حفاظت محیط زیست در مدت سه ماه پس از تصویب این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید».

شود که مواد باطله متعلق به بهره‌بردار بوده و نوع و مقدار آن ثبت شود.

۲۵- در ماده ۱۲ ضروری است چگونگی پوشش نظارتی و هدایتی و مطابقت امکان سنجی که باید توسط وزارت معادن و فلزات به عمل آید تعیین شود.
۲۶- ضرورت دارد یک بخش خاص به فراوری اختصاص یابد که لایحه از این حیث دارای نواقص است.

۲۷- در ماده ۱۵ برداشت‌های چند کیلوگرمی در بررسی‌های مقدماتی به منظور تعیین مناسب‌ترین محل برای درخواست پروانه اکتشاف یا بازدیدهای زمین‌شناسی استثناسود.

۲۸- در ماده ۱۶ اعضای کمیسیون کارشناسی به یک نفر از اساتید دانشگاه و کارشناس ارشد بخش نظارت بر معادن و یک نفر نماینده وزارت معادن و فلزات اصلاح شود، مضافاً بر این که کمیسیون به عنوان نظر کارشناسی در محکمه قابل قبول می‌باشد و این کمیسیون نمی‌تواند خسارت تعیین نموده یا متخلفین را وادار به پرداخت خسارت نماید.

۲۹- موارد فورس ماژور و یا مشکلات فنی در معدن باید در ماده ۱۶ استثناسود.

۳۰- در ماده ۱۸ باید به حقوق مالکان توجه کافی به عمل آید، لذا «پس از تأیید وزیر معادن و فلزات» باید حذف شده و بررسی مسئله به نظر هیئتی مرکب از نماینده وزیر معادن و فلزات و نماینده